

# بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

نام و نام خانوادگی:

رشته تحصیلی:

نام پردیس:

نوع اثر:

سلیمان چمنی زرتق

آموزش علوم اجتماعی

شهید مقصودی همدان

دلنوشته - سوگواره اربعین حسینی

- برای حسین جانم ...

"اَلْسَّلَامُ عَلَیْكَ يَا اَبَاعَبْدِاللّٰهِ وَ عَلَی الْاَرْوَاحِ الَّتِی حَلَّتْ بِفِنَائِكَ عَلَیْكَ مِّنِّی سَلَامُ اللّٰهِ (اَبَدًا) مَا بَقِیْتُ وَ بَقِیَ اللَّیْلُ وَ النَّهَارُ وَ لَا جَعَلَ اللّٰهُ اٰخِرَ الْعَهْدِ مِّنِّی لِیَارْتِکُمُ"

اربعین که می‌رسد، دل آدم پر می‌کشد و خودش را میان جاده ی نجف تا کربلا جا می‌گذارد. جاده ای که نه با پا، که با اشک طی می‌شود. با نَفَس هایی که بوی بغض می دهند و قدم هایی که روی دانه های اشتیاق می افتند. هر زائری، تکه ای از غربت خودش را در مسیر جا می‌گذارد تا برسد به آن گنبد طلایی که از دور مثل فانوس می درخشد؛ در دل ظلمت این روزگار بی وفا.

کاش می‌شد ما هم زائر بودیم. کاش می‌شد در آن کاروان عاشقی، جایی برای دل ما هم بود. اما نشستن در این اتاق کوچک، و زمین گیر شدن، باعث نمی شود صدای یا حسین خاموش شود. من از همین جا، از دل این شهر خاکستری، قدم در جاده گذاشته ام؛ با قلبی که سال هاست در کربلا جا مانده.

حسین جان...

تو که کشته ی مظلومیت بودی، تو که خونت فریاد شد، مگر نه اینکه هر ظلمی باید در برابر نامت بلرزد؟ پس چرا این روزها هر وقت نامت را می‌برم، صدای گریه ی کودکانی از غزه در گوشم زنگ می‌زند. کودکانی که هیچ کربلایی نرفته اند، اما هر شب عاشورا را زندگی می‌کنند. کودکانی که فقط صدای انفجار را می شنوند. آن ها، بی‌پناه تر از علی اصغر، در آغوش مادرانشان پرپر می شوند، بی آنکه دستی باشد برای گرفتنشان، یا خیمه ای که در آن پناه بگیرند.

می‌گویند "کلُّ یومٍ عاشورا و کلُّ ارضٍ کربلا..."

پس غزه، هر شب، صحنه ی عاشورا است؛ و ما اگر حسینی باشیم، دل مان باید همان جا بتپد. باید بغضمان، فقط برای شش ماهه ی کربلا نباشد، برای کودکانی هم باشد که حالا، زیر آوار خوابیده اند و هنوز اسمشان را کسی نپرسیده است. اربعین، فقط یک راه‌پیمایی نیست. یک بیداری است. یک یادآوری است. یادآوری اینکه ظلم، هنوز ادامه دارد و خون، هنوز فریاد می‌زند. و ما، اگر دل مان برای حسین (ع) می‌لرزد، باید صدای این فریاد ها را بشنویم... در غزه، در یمن، در هر کوچه ای که بوی غربت می‌دهد. کاش روزی برسد که کودکان، کربلا را فقط در کتاب ها بخوانند و نه در کوچه های خونین وطنشان...

و تا آن روز،

« ماییم و نوای بی نوایی ... بسم الله اگر حریف مایی »